



## جایگاه طنز در شعر انقلاب اسلامی ایران

محمد نادى<sup>۱</sup> ©

دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز،  
شیراز، ایران

دکتر شاهرخ محمدبیگی<sup>۲</sup>

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز،  
شیراز، ایران

(تاریخ دریافت: ۷ مهر ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۶ آبان ۱۳۹۸؛ تاریخ انتشار: ۹ آذر ۱۳۹۸)

با بررسی جایگاه طنز در شعر انقلاب اسلامی ایران با سبک و شیوه‌ی کار و فعالیت شاعران طنزپرداز این دوره می‌توان آشنا شد و با تحلیل آثار آن‌ها، شیوه‌ی برخورد شاعران و نوع بیان مشکلات جامعه، در قالب طنز عیان می‌گردد. ادبیات انقلاب، ادبیاتی آگاهی‌بخش و بصیرت‌افزاست و همچنین طنز اصالتاً کارکرد آگاهی‌بخشی دارد. بدین‌دلیل پژوهیدن این کارکرد در ادبیات، اهمیت والایی دارد تا معناگرایی، آگاهی‌بخشی، بصیرت و اعتراض به‌عنوان مولفه‌های اصلی و مهم شعر انقلاب و نقش کلیدی آن‌ها در این ادبیات روشن گردد. شعر انقلاب شعری جامعه‌گرا و مردم‌دار است و طنز وظیفه‌ی جامعه‌اندیشی و آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی افراد را دارد؛ بدین‌سبب تبیین جایگاه طنز در شعر انقلاب درحقیقت تشریح یکی از مهم‌ترین بسترهای معنایی و محتوایی آن است. در این مقاله به روش تحلیل محتوا و با استفاده از روش گردآوری کتابخانه‌ای با بیان تعریف طنز و مقایسه‌ی جایگاه آن در دوره‌های مختلف شعر انقلاب و قالب‌های به‌کاررفته، سعی شده به اختصار مفهوم طنز، سطح و جایگاه آن در این دوره مشخص شود و شاعران معروف این سبک و آثار ایشان معرفی گردند.

واژه‌های کلیدی: طنز، شعر، انقلاب اسلامی.

<sup>1</sup>E-mail: mohammadfars.1375@gmail.com

©(نویسنده مسؤول)

<sup>2</sup>E-mail: sh\_beygi@yahoo.com



طنزنویسانی هستند که بعد از انقلاب پا به عرصه گذاشته‌اند و در انقلاب نفس می‌کشند و مخالفی با اساس و اهداف انقلاب ندارند؛ بلکه با خواندن آثار آنها حتی می‌توان متوجه شد که در راستای اهداف انقلاب و از سر دلسوزی به انتقاد از مشکلات و معضلات موجود در جامعه پرداخته‌اند که پرداختن به آثار آنها و بررسی دیدگاه‌ها، سبک و شیوه‌ی کار و جایگاهشان می‌تواند قابل توجه باشد.

#### روش تحقیق

این پژوهش، به روش تحلیل محتوا و با استفاده از ابزار گردآوری کتابخانه‌ای به بررسی آثار شاعران طنزپرداز انقلاب اسلامی ایران در چند مرحله پرداخته است:

- ۱- کتاب‌ها، آثار و مقالات همسو با این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند؛
- ۲- ضمن مطالعه و بررسی آثار شاعران طنزپرداز، از این آثار یادداشت‌برداری شده است؛
- ۳- مطالب مورد نظر، دسته‌بندی و تحلیل و تدوین شده‌اند.
- ۴- کارکردها، مضمون و محتوای طنز در شعر انقلاب و همچنین قالب‌های شعری برای بیان طنز بررسی شده‌اند؛
- ۵- ویژگی‌های طنز در دوره‌های مختلف شعر انقلاب.

#### پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی طنز، تحقیقاتی چون کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌های متعددی نوشته شده است؛ اما مطالب مرتبط با موضوع این پژوهش به شرح زیر هستند:

آرین‌پور (۱۳۷۵) در کتاب خود به بخشی از تاریخ ادبیات ایران پرداخته است که از دوره‌ی صبا تا نیما را شامل می‌شود. وی در این کتاب موضوعات مختلفی را مطرح کرده است از جمله طنز که در جلد دوم آن، به بررسی و تحلیل آن در دوره‌های مختلف مثلاً از دوره‌ی مشروطه و معاصر همراه با ذکر نمونه‌هایی پرداخته است.

حلبی (۱۳۷۷) در اثر خود به تاریخ طنز در دوره‌های مختلف ایران و اسلام می‌پردازد. مطالبی که او در اثر خود دنبال کرده است شامل یازده فصل می‌شود که فصل‌های مهم آن عبارت‌اند از: علل گرایش به طنز و شوخ‌طبعی، شیوه‌های رایج در طنز و شوخ‌طبعی و بحثی در ماهیت خنده، واژگان طنز و شوخ‌طبعی، شوخ‌طبعان تازی و پارسی تا روزگار عبید زاکانی، طنز و شوخ‌طبعی در روزگار عباسی، ظهور دوره‌ی ایرانیان و... از مزیت‌های این اثر تشریح کامل و مستند تاریخ طنزسرایی در ایران و اسلام است.

بهرادی‌اندوهجردی (۱۳۷۸) سعی می‌کند در اثر خود تصویر روشنی از طنز ارائه دهد و تاریخ طنز

را در ایران، همراه با ذکر شواهد پیگیری کند. همچنین بیان می‌کند که طنز در ایران، در هر دوره، در معنا و به‌منظور خاصی به‌کار رفته است.

عزتی‌پرور (۱۳۷۹) با ذکر شواهدی از منابع کهن به سابقه‌ی طنز در ادبیات فارسی از جمله شعر می‌پردازد. همچنین قالب‌هایی را که برای بیان طنز به‌کار گرفته می‌شود، ذکر می‌کند. در ادامه، مطالبی درباره‌ی زبان طنز ارائه می‌دهد و سابقه‌ی آن را در ادبیات فارسی مشخص می‌کند و انواع مضامین طنز را مورد بررسی قرار می‌دهد.

موسوی‌گرمارودی (۱۳۸۰) در اثر خود درآمد کوتاهی بر طنز و هزل و هجو در تاریخ و تاریخ معاصر دارد. وی تلاش کرده است طنز و هزل و هجو را از دید آیات و روایات مورد بررسی قرار داده است و برای هر قسمت شواهدی ذکر کرده است. سپس، انواع نقیضه‌ها را بیان و همراه با شواهد تبیین کرده است.

صدر (۱۳۸۱) ابتدا درآمدی بر شوخ‌طبعی می‌آورد سپس گونه‌های مختلف شوخ‌طبعی را بیان می‌کند و در ادامه نگاهی به طنز و شوخ‌طبعی در ایران از ابتدا تا انقلاب اسلامی دارد و آن را در دو بخش طنز پیش از مشروطیت و طنز پس از مشروطیت بیان می‌کند. سپس به طنز مطبوعاتی، پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد و مطبوعاتی را که در این زمینه فعالیت می‌کرده‌اند، معرفی می‌نماید و طنزهای آن‌ها را تحلیل می‌کند. در واقع هدف اصلی این کتاب پرداختن به طنز مطبوعاتی ایران است.

سعیدی (۱۳۸۱) ضمن اینکه معنای لغوی و اصطلاحی طنز و انواع آن را بیان می‌کند، به سیر تاریخی مختصری از طنز از ابتدا تا سال ۱۳۷۹ در ادبیات فارسی پرداخته است و به تحلیل ساختاری و مضمونی آثار افرادی چون منوچهر احترامی، ابوالفضل زرویی، سیداحمد کاکلی، کیومرث صابری و... می‌پردازد.

هدف مقیسه (۱۳۸۲) نشان دادن حضور طنز و شوخ‌طبعی در جبهه‌های جنگ تحمیلی است؛ هرچند جبهه‌های ما سرشار از معنویت و لبریز از ایمان و صداقت بود. نتیجه‌ی کلی تحقیق این است که طنز و شوخ‌طبعی در جبهه‌های حق علیه باطل نه شوخی است و نه شایعه، بلکه واقعیتی بوده است که پایه‌پای ایمان و شجاعت و اخلاص رزمندگان و آزادگان در جبهه‌ها حضور داشته است.

جوادی (۱۳۸۴) به پیشینه‌ی تاریخ طنز در ادبیات ایران پرداخته است. سه مقوله‌ی طنز، هجو و هزل را مطرح می‌کند و در ادامه به شیوه‌های طنز، طنز و انواع ادبی، طنز و مذهب، طنز و انتقاد اجتماعی در ادبیات فارسی پیش از مشروطیت، طنز در مطبوعات، طنز سرایی پس از مشروطیت، زن موضوعی برای طفره‌ی طنز در رمان و داستان و طنز در نمایشنامه‌ی فارسی می‌پردازد.

پلارد (۱۳۷۸) در کتاب خود به هدف‌ها، نگرش‌ها، موضوع‌ها، شیوه‌ها، ابزارها و لحن بیان طنز پرداخته است. از نکات برجسته‌ی این کتاب این است که نظرات مختلف دانشمندان غربی، درباره‌ی طنز را بیان می‌کند.

حری (۱۳۸۷) در فصل اول کتابش تعریف‌ها و دسته‌بندی واژگان کلیدی طنز در فرهنگ‌های را مختلف می‌آورد؛ سپس شگردهای طنزپردازی و برابری‌های پیشنهادی در زبان فارسی را بررسی می‌کند. در فصل دوم کتاب به رویکردهای زبان‌شناختی به شوخ‌طبعی می‌پردازد و نظریه‌های مختلفی را که درباره‌ی طنز بیان شده است، می‌آورد. در فصل سوم به طنز پرخاشگرانه می‌پردازد. فصل چهارم را به اصول و مبانی شوخ‌طبعی، طنز، لطیفه و مسائل ترجمه اختصاص داده است و در فصل پنجم مروری بر واژگان طنز دارد و برخی پایان‌نامه‌هایی را که در حوزه‌ی طنز نوشته شده است، معرفی و خلاصه‌ی آن‌ها را ذکر می‌کند.

امامی (۱۳۸۸) به بررسی نشانه‌شناختی بازنمایی فرهنگ سیاسی در مجلات طنز عامه‌پسند که در دو دوره‌ی زمانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران منتشر شده‌اند، می‌پردازد. بررسی بازنمایی در طنز از آن دو صورت می‌گیرد که به نظر می‌رسد قابلیت‌های موجود در یک کلام یا تصویر طنزآمیز که با استعاره و ایهام همراه است، این امکان را فراهم می‌آورد تا بی‌پروا تر به بیان نظرات و گرایش‌های سیاسی پرداخته شود.

موسوی (۱۳۸۸) در اثر خود مجموعه‌ای از جدیدترین مقالات نوشته‌شده توسط پژوهشگران زمان حال را گرد آورده است. از برتری‌های اثر این است که نظرات پژوهشگران مختلف را در یک جا جمع کرده است و به نقد و بررسی آنان پرداخته است و نقطه‌ی منفی اثر فقط در یک دوره‌ی کوتاهی منتشر شده است.

تجبر (۱۳۹۰)، هدف نویسنده در این اثر پرداختن به مسائل کلان طنز است و مسائلی چون تاریخ حضور اصطلاحی طنز، تعریف صحیح طنز، شناخت انواع آن و یافتن ارتباط بین آن‌ها و سرانجام ارائه‌ی نظریه‌ای مناسب که بتواند طنز را تبیین کند.

سلیمانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود، که یکی از پژوهش‌های متأخر در زمینه‌ی طنز به‌شمار می‌آید، اصول طنزنویسی، قالب‌های طنزنویسی، طنزنویسی به‌روایت طنزنویسان را مورد بررسی قرار داده است. از مزیت این اثر این است که هم‌زمان برای توضیح و تبیین اصول طنزنویسی و... در کار برخی از چهره‌های طنز ایرانی از شخصیت‌های طنزپردازان برون‌مرزی هم برای تبیین کار خود استفاده کرده است.

رومی (۱۳۹۲) در اثر خود به بررسی مطبوعات و طنز مطبوعاتی شیراز بعد از انقلاب پرداخته است. این نوشته در هفت فصل تنظیم گردیده است. از ویژگی مهم این اثر این است که رومی نشریات و مطبوعاتی را که در شیراز چاپ می‌شده است و همچنین نشریاتی که اکنون چاپ می‌شوند و طنزپردازان این نشریات و مطبوعات را معرفی می‌کند و نمونه‌های کاری آنان را نیز آورده است. هرچند کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری با موضوع طنز نوشته شده است و پژوهش‌هایی با موضوع طنز در ادبیات دفاع مقدس که مقطعی از انقلاب اسلامی ایران است صورت گرفته و با تحقیقات با محوریت مطبوعات بعد از انقلاب، انجام شده است؛ ولی تاکنون پژوهشی با عنوان «جایگاه طنز در شعر انقلاب اسلامی ایران» نوشته نشده است و این خود بر اعتبار نبودن این پژوهش می‌افزاید.

#### تعریف طنز

نوعی از ادبیات خوش‌خوبی‌ست که جنبه‌ی اجتماعی دارد و در فرهنگ‌های مختلف معانی و تعریف‌های گوناگونی برای آن ذکر کرده اند.

طنز در لغت: دهخدا در ذیل معنی طنز می‌نویسد: «افسوس کردن، افسوس داشتن، بر کسی خندیدن، عیب کردن، و سخن به رموز گفتن.» (دهخدا ۱۳۷۳، ۱۳۷۰۱)

حسن انوری در «فرهنگ بزرگ سخن» در تعریف طنز می‌گوید: «شیوه‌ی بیان ادبی، اعم از شعر و نثر، که در آن عیب‌های فردی و اجتماعی مورد تمسخر قرار می‌گیرد و هدف آن اصلاح رفتارهای بشری است.» (انوری ۱۳۸۱، ج ۵، ۴۹۰۵)

منصور رستگارفسایی در تعریف طنز این‌گونه می‌نویسد: «طنز، شیوه‌ای خاص در بیان نظم و نثر است که بسیار گیرا می‌باشد و انسان به وسیله‌ی این روش، مهم‌ترین مطالب و مباحث را با لطیف‌ترین و درعین‌حال تیزبینانه‌ترین دیدگاه‌ها و برنده‌ترین کلمات بیان می‌کند.» (رستگارفسایی ۱۳۸۰، ۲۲۲)

#### جایگاه طنز در شعر انقلاب اسلامی ایران

##### ادبیات و شعر انقلاب

طنز، ادبیاتی را که در راستای انقلاب و به وسیله‌ی نویسندگان متعهد انقلابی به وجود آمده باشد، شامل می‌شود. همچنین به مجموعه‌ی آثاری اطلاق می‌شود که در عصر انقلاب اسلامی، به دغدغه‌ها، رویدادها، مضامین، نگرش‌ها، باورها و در یک کلمه به عناصر هویتی انقلاب اسلامی پرداخته است. در تمام دوره‌های گذشته، همه‌ی حوادث تأثیرگذار، همراهی ادبیات را با خود داشته‌اند. نمونه‌ی درخشان آن، انقلاب مشروطه است که موجب به وجود آمدن آثار گرانقدری در ادبیات فارسی به‌ویژه

طنز شد. بعد از مشروطه، انقلاب اسلامی از دوران بسیار مؤثر بر تمامی امور، از جمله ادبیات است. آرامش و رفاه نسبی بعد از انقلاب اسلامی ایران بر آثار به وجود آمده در این دوره مؤثر بوده است. همچنین ادبیات انقلاب در انواع قالب‌ها از جمله شعر، داستان، خاطره و... نمود پیدا کرده است و هر کدام از این آثار نیز از ویژگی‌های خاص خود برخوردارند. شعر بخشی از ادبیات انقلاب است که از رشد چشمگیری برخوردار بوده است.

هر جریان شعری، شامل آثار زیادی است که به لحاظ نزدیکی‌هایی که با هم دارند، در کنار هم یک مجموعه به‌شمار می‌آیند. در ضمن هر جریان شعری، وابستگی‌ها و هم‌بستگی‌هایی با جریان‌های پیش از خود دارد. به عنوان مثال اولین سروده‌های فارسی، مسبوق به سابقه‌ای بوده که به دست ما نرسیده است و این نکته به معنی وجود نداشتن چنین پیشینه‌ای نیست. هر جریان شعری از یک پیشینه تاریخی برخوردار است. قطعاً شعر انقلاب هم روندی تاریخی داشته است که رابطه‌ی شعر و حکومت و سود و زیان‌های حاصل، بحثی با روال تاریخی می‌طلبد (علانی ۱۳۸۷، ۲۱).

انقلاب اسلامی ایران، اصیل‌ترین و باشکوه‌ترین انقلاب معاصر و از حوادث بی‌نظیر چند قرن اخیر است که باتکیه بر آرمان‌های استقلال‌طلبانه و عدالت‌خواهانه و آزادی‌طلبانه، دگرگونی فوق‌العاده‌ای در پایه‌های فکری و فرهنگی جامعه‌ی خود به وجود آورد. انقلاب اسلامی یک کودتای بزرگ و یا یک تغییر سیاسی صرف نبود که گروهی سیاستمدار با تلاش و دسیسه‌های سیاسی حکومت را ساقط کنند و خود به جای آن بنشینند؛ انقلاب اسلامی با پشتوانه‌ی فکری و عقیدتی شگرفی به وجود آمد و یک تفاوت عمده با دیگر انقلاب‌های معاصر دارد و آن اینکه صرفاً برای رفع نارضایتی مردم از اوضاع اقتصادی و اجتماعی شکل نگرفت. شعار اصلی انقلاب، تشکیل سازوکاری برای اجرای دقیق قوانین اسلام و رعایت حدود تعیین شده از سوی شرع، در تمام لایه‌های زندگی اجتماعی بود. طبیعی است که چنین انقلابی، فرهنگ و تمدن سازهی ادبیات را به شدت متقلب می‌کند و مسیر حرکت آن را با تغییری اساسی مواجه می‌نماید (علانی ۱۳۸۷، ۲۵ تا ۲۷).

ادبیات فارسی با بنیادهای عمیق معنوی و عرفانی در ایران، از بدو تولد تا انتهای حیات ما را فراگرفته است. رسوخ ادبیات در جزء‌جزء زندگی ایرانیان، غیرقابل انکار است. پیوند ادبیات فارسی، به خصوص شعر فارسی، با آموزه‌های دینی و به ویژه قرآن و عرفان اسلامی، جلوه‌ای ویژه بدان بخشیده است. این پیوند از دلایلی است که باعث رواج ادبیات در میان مردم شده است (علانی ۱۳۸۷، ۲۷ و ۲۸). این پیوند در آثار ادبی و شعر انقلاب به وضوح دیده می‌شود.

«شعر انقلاب، شعر آمال و آرزوهای مردمی است که اتفاقاً حکومت نیز، در جهت همان آمال قرار

همچنین شعر انقلاب اسلامی «به مجموعه سروده‌هایی اطلاق می‌شود که در عصر انقلاب اسلامی، به دغدغه‌ها، رویدادها، مضامین، نگرش‌ها، باورها و در یک کلمه به عناصر هویتی انقلاب اسلامی پرداخته است.» (شیرشاهی ۱۳۹۰، ۳۹)

غلامرضا کافی معتقد است: «زبان نو، آمیختگی با زندگی فردی و اجتماعی، تصاویر حسی، پیوند عاطفه و احساس، با مفاهیم ذهنی و گسترش حوزه‌ی واژگانی» از ویژگی‌های شعر انقلاب است. وی از جمله برجستگی‌هایی شعر انقلاب را «تپندگی در زبان، تپش واژگان، وضعیت قالب‌ها و تسامح در برخی از سنت‌ها» می‌داند و بیان می‌کند که «آمیختگی شعر انقلاب با زندگی فردی و اجتماعی مثل خود انقلاب است که در همه‌ی زوایای زندگی مردم حضور دارد و این شعر، بیش‌ترین مخاطب را برای خود برگزیده است.» (کافی ۱۳۸۹، ۳۳ تا ۲۴)

همچنین از برکات انقلاب «حضور شاعران جوان و فراوانی تعداد آن‌هاست» و بیان می‌کند که بعد از انقلاب، شعر «فرصت خوبی برای نوشتن و پوست‌انداختن» پیدا کرد (کافی ۱۳۸۹، ۳۳ تا ۲۴). به‌طور کلی تأثیر انقلاب اسلامی بر شعر ایران، تأثیری عمیق اما بسیار سریع و ناگهانی بود. آنچنان عمیق که علی‌رغم مدت‌زمان ناچیز تأثیر، طی دهه‌های بعد، آثار مهم و آشکار خود را نشان داد به‌گونه‌ای که هیچ شاعر و جریان شعری از تأثیر انقلاب و مظاهر آن برکنار نمانده است (کافی ۱۳۸۹، ۲۳۸).

#### بررسی طنز بعد از انقلاب

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز مانند انقلاب مشروطه تأثیرات فراوانی در زمینه‌های مختلف، از جمله ادبیات و طنز داشت به‌گونه‌ای که با پشت‌سر گذاشتن فضای خفقان‌آور پهلوی، فضای بازی که از قبل انقلاب ایجاد شده بود، زمینه را برای قلم‌به‌دستان و شاعران و طنزپردازانی که به‌دنبال فضای این‌چنینی بودند تا تفکرات خود را بیان کنند، فراهم کرد.

طنزپردازان بعد از یک دوره‌ی طولانی خاموشی، جرئت اظهار وجود پیدا کردند، طوری که «بعد از انقلاب یک دفعه سد سانسور دوران شاه شکست و تعداد بسیار زیادی کتاب و نشریه در مدت کوتاهی چاپ شد. مطابق فهرستی که روزنامه‌ی اطلاعات در ۱۵ تیر ۱۳۵۸ چاپ کرد، تعداد ۲۲۲ روزنامه و نشریه در آن زمان چاپ می‌شد، و از این میان لااقل ۱۵ نشریه فکاهی و طنزآمیز بودند.» (جوادی ۱۳۸۴، ۲۱۱)



### ویژگی‌های طنز در ادبیات انقلاب

تحولاتی که بعد از پیروزی انقلاب در زمینه‌های مختلف به وجود آمد بر حوزه‌ی ادبیات، شعر و طنز تأثیرگذار بوده است و این تحولات خود منشأ ویژگی‌های خاص این دوره شده است. از جمله‌ی ویژگی‌هایی که می‌توان برای آثار طنزمدار ادبیات و به‌ویژه شعر انقلاب در نظر گرفت، به قول کافی: «۱. پیوند با حکومت و اهل سیاست؛ ۲. قلم پاک و پیراسته؛ ۳. معناگرایی در تمام قالب‌ها؛ ۴. تنوع و گونه‌گونی؛ ۵. افق‌های گسترده؛ ۶. نگاه بر دست گذشته و طبع ملایم» است (کافی ۱۳۹۳، ۴۳ تا ۴۱).

### دوره‌های طنزسرایی در شعر انقلاب

ادبیات انقلاب، ادبیاتی آگاه و بصیر است و طنز نیز اصالتاً کارکرد آگاهی‌بخشی دارد. بدین دلیل پژوهیدن این کارکرد شایسته‌ی ادبیات، اهمیت والایی دارد تا معناگرایی، آگاهی‌بخشی، بصیرت و اعتراض به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی و مهم شعر انقلاب و نقش آن‌ها در این ادبیات روشن گردد. طنز از جمله‌ی عرصه‌هایی است که در ادبیات انقلاب و به‌ویژه در زمینه‌ی شعر، کم‌تر مورد توجه اهل قلم قرار گرفته است. همچنین شعر انقلاب شعری جامعه‌گرا و مردم‌دار است و طنز وظیفه‌ی جامعه‌اندیشی و بصیرت‌افزایی افراد را دارد؛ بدین سبب تبیین جایگاه طنز در شعر انقلاب در حقیقت تشریح یکی از اصلی‌ترین بسترهای معنایی و محتوایی آن است. به همین جهت در ادامه به این مهم پرداخته می‌شود. طنز بعد از انقلاب خود به دوره‌های مختلفی تقسیم می‌شود و هر دوره و طنزش ویژگی‌های خاص خود را دارد:

#### دوره‌ی اول: عصر طنز سیاسی

خود این دوره هم دو قسمت می‌شود: بخش اول آن که از پیروزی انقلاب تا اجرای قانون مطبوعات را شامل می‌شود. طنزپردازان بعد از دوران اختناق پهلوی به یک آزادی نسبی رسیده بودند به‌ویژه مطبوعات، که از بهمن ۵۷ تا پیش از اجرای قانون مطبوعات، دوره‌ی آزادی مطبوعاتی است (صدر ۱۳۸۱، ۲۳ تا ۲۰).

اما بخش دوم که از شهریور ۱۳۵۸ شروع می‌شود، با اجرای قانون مطبوعات و تعطیلی چند نشریه‌ی طنز، از تعداد نشریات طنز کاسته می‌شود (صدر ۱۳۸۱، ۲۳ تا ۲۰). شهسواری معتقد است که پس از تثبیت انقلاب در سال‌های ۵۸ تا ۶۲ سمت‌وسوی طنزها به سمت فکاهیات و نیز هجو ضدانقلاب‌ها و دشمنان خارجی سوق یافت و روحیه‌ی تعهد و ایثار در میان طنزنویسان و بعضی نشریات دولتی و غیردولتی رواج یافت (شهسواری ۱۳۸۹، ۴).

روی هم رفته، مؤلفه‌ی مطرح در این دوره طنز سیاسی است. طعن رژیم سابق و البته طعن سیاسیون خارجی مدنظر است. طنز سیاسی هم سیاست داخلی را نقد و طعن می‌کند و هم شامل سیاست خارجی و طعن و نقد امپریالیسم و استعمار می‌شود.

اگرچه به فراخور حس و حال سال‌های آغاز انقلاب و جنگ تحمیلی، شعر طنز آن سال‌ها بیش‌تر رنگ شعار گرفته و بعضاً به هجو خاندان و دولتمردان عصر پهلوی، امپریالیسم و دولت‌های آمریکا، شوروی، انگلیس و... پرداخته است؛ این آثار نشان‌دهنده‌ی اقبال عمومی و گرایش طنزآوران به طنز منظوم است (مهدی‌نژاد ۱۳۹۲، ۲۱ تا ۳۰).

درضمن، با شروع جنگ تحمیلی و تغییر فضای کشور، ذائقه‌ی طنزپردازان هم فرق می‌کند و بروز بی‌ثباتی اقتصادی و ایجاد محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، عرصه را بر تداوم حیات طنز سیاسی مشکل می‌سازد و صبغه‌ی سیاسی طنز مطبوعاتی به‌مرور زمان رنگ می‌بازد و به نقد عملکرد گروه‌های ضدانقلاب داخلی و دشمنان خارجی می‌پردازد و به طرح مسائل اجتماعی و یا خانوادگی و نیز مشکلات خرد اقتصادی جامعه و مشکلات معیشتی مردم بسنده می‌کند (صدر ۱۳۸۵، ۲۳).

در زمان جنگ در دو جبهه‌ی داخلی و خارجی، که به‌صورت مقابله با گروه‌های مخالف از سویی و جنگ با عراق از سوی دیگر متجلی‌ست، بر نوع نگاه و نگرش مسئولان جامعه به برخورد انتقادی با طنز تأثیر می‌گذارد. فضای بدبینی ناشی از حرکت‌های ضدانقلاب، مجال برخورد با مسائل را به طنزپردازان نمی‌دهد. جنگ مزید بر علت است و به تشدید افول طنز سیاسی، در عرصه‌ی مسائل داخلی کمک می‌کند (صدر ۱۳۸۵، ۳۲) و طعن و طنز سیاست خارجی و امپریالیسم و استعمار را دربرمی‌گیرد. همچنین «طنز این دوره بیش‌تر وابسته به مضمون و محتواست تا فرم و تکنیک.» (شهسواری ۱۳۸۹، ۵) بی‌گمان در این دوره، طنز ژورنالیستی بیش‌از طنز رسمی حضور دارد. هرچند نمونه‌های رسمی آن را در شعر شاعرانی چون سلمان هراتی، طاهره صفارزاده، حسن حسینی، علیرضا قزوه، ابوالقاسم حالت، ابوتراب جلی، سیدغلامرضا روحانی، عمران صلاحی، مرتضی فرجیان و... می‌توان دنبال کرد. در این دهه برخی از شاعران و نویسندگان به ادبیات متعهد علاقه دارند و انتقاد و طنز را تا جایی به‌کار می‌برند که به مبانی انقلاب و دین لطمه‌ای وارد نسازد (شهسواری ۱۳۸۹، ۱۹۷).

#### دوره‌ی دوم: عصر طنز اجتماعی

این دوره دهه‌ی دوم انقلاب یعنی دهه‌ی ۷۰ را شامل می‌شود و مؤلفه‌ی مطرح آن طنز اجتماعی‌ست. چنان‌که از نامش پیداست طنزپردازان این دوره، به لایه‌ها و جنبه‌های مختلف اجتماعی توجه کرده‌اند و مشکلات و معضلات این بخش را با طعن و طنز بیان می‌کنند. با توجه به این مطالب

می‌توان گفت که زبان طنز این دوره برنده، کوبنده، خشمگین و معترض است. اندکی زبان‌گرایی و بازی لفظی نیز در این طنز پدیدار است. این دوره که به آرامش نسبی بعد از جنگ رسیده است ویژگی‌های خاص خود را دارد. از جمله‌ی اینکه آدم‌ها و ارزش‌ها دگرگون شده‌اند، مردمان هیجانی جبهه و جنگ دچار رخوت، سستی و غفلت‌زدگی شده‌اند و نسل برآمده از جنگ هم دچار فراموشی و بی‌هویتی شده است. همه‌ی این ویژگی‌ها سبب طنز اعتراضی این دوره شده است. طنز این دوره در شعر شاعرانی چون علیرضا قزوه، محمدکاظم کاظمی، محمدحسین جعفریان، ضیاءالدین شفیعی و... نمود بیش‌تری دارد (کافی ۱۳۹۳، ۹۴۶).

درکنار جریان موافق انقلاب می‌توان به جریانی که طنزی عنادورز و سخره‌گرا با نگاهی از سر بدبینی و یأس دارد و پایه‌ی طنز آن، بیش‌تر بازی‌های زبانی دارد به افرادی چون علی عبدالرضایی، بهزاد خواجهات، مهرداد فلاح و رضا جمالی اشاره کرد (کافی ۱۳۹۳، ۹۴۶).

#### دوره‌ی سوم: عصر طنز زبان‌گرا

این دوره، دهه‌ی سوم انقلاب را دربرمی‌گیرد و مؤلفه‌های مطرح آن بازی‌های زبانی و زبان‌گرایی‌ست. نماینده‌ی این طنز اکبر اکسیر است و با کتاب «بفرمایید بنشینید صندلی عزیز» در دهه‌ی هفتاد از ساحل آستارا شروع کرد که نوعی طنز غریب و متفاوت را نشان می‌دهد.

ریشه‌ی این‌گونه طنز را باید در شعرهای «نوگل‌آقایی» جست‌وجو کرد که در دهه‌ی هفتاد رقم زده می‌شدند، نوع لحن و بیان در آثار این دهه قابل‌مقایسه با گل‌آقایی‌ها نیستند؛ آثار در آنجا به نقیضه و باروری می‌گراییدند و لودگی در آن‌ها بالا بود. اما آثار اکبر اکسیر، هیچ سابقه‌ی ذهنی و نظیره و نقیضه‌سازی ندارند.

اکسیر این نوع شعر را «فرانو» نامیده است. از دیگر شاخصه‌های آثار اکسیر کوتاه سرودن‌های اوست که درواقع پرچم‌دار این نوع سرایش نیز به‌شمار می‌آید؛ هرچند افراد دیگری چون عمران صلاحی، سیدحسن حسینی و... هم کوتاه‌سروده‌هایی دارند و در این نوع سروده‌ها زمینه و فضا برای هرگونه انتقاد و طعن و طنز باز و آماده است. درواقع این نوع سروده‌ها در زیر سایه‌ی صورت‌گرایی شاعران نسل سوم بالیده است. درضمن این زبان‌گرایی، جریانی هم باعنوان «فراغزل» یا «غزل متفاوت» یا «پست‌مدرن» را رقم زده است (کافی ۱۳۹۳، ۹۴۶).

زرویی بیان می‌کند که می‌توان به‌جرات گفت که تا به امروز و طی حیات ادبی این کشور، هیچ‌گاه شعر طنز به این اندازه رشد کمی و کیفی نداشته است. طنزپردازان طی این سال‌ها دریافتند که شعر طنز، خاص مجالس دوستانه‌ی مخفی و خصوصی نیست. اگرچه بازار اخوانیات و هزل و هجو در

ادبیات غیررسمی و غیرقابل چاپ همچنان گرم است. طنزسرایان، عمده‌ی همت خود را صرف سرودن اشعاری می‌کنند که علاوه بر داشتن بار انتقادی و سیاسی، قابل خواندن و قابل چاپ باشد (مهدی‌نژاد ۱۳۹۲، ۲۳).

#### شعر طنز انقلاب از منظر ساخت

در ادامه‌ی بحث طنز در شعر انقلاب، ابتدا به شناخت ساخت و صورت‌های رایج در آن پرداخته می‌شود که از آن به «ساخت» تعبیر شده است. همچنین دریافت معناها در طنز با نام «ساخت» خواهد آمد. بنابراین منظور از ساخت و ساخت، بررسی صورت و معنا در حوزه‌ی طنز انقلاب است.

#### قالب‌های متداول

منظور از این قالب‌ها قالب‌های سنتی شعر است که طنزپردازان برای سرودن طنزهای خود به کار می‌برند؛ قالب‌هایی چون قصیده، غزل، مثنوی، دوبیتی، رباعی، قطعه و... هرچند طنزپرداز منظور و هدف خود را به وسیله‌ی قالب‌های کوتاه چون دوبیتی و رباعی زودتر می‌رساند؛ اما بسته به ذوق و علاقه‌ی شخصی خود از قالب‌های بلند و طولانی چون مثنوی و قصیده هم استفاده کرده و می‌کند.

«طبق آمار دقیق [پژوهشگران طنز در ایران] چنین برمی‌آید که قالب قطعه، رباعی و مثنوی‌های کوتاه برای [سرودن شعر طنز] به سبک کهن آمادگی و قابلیت بیش‌تری دارد و آن هم به دلیل کوتاهی آن‌ها و نیز به دلیل اینکه این قالب‌ها بیش‌از یک اندیشه را برنمی‌تابد.» (سلیمانی ۱۳۹۱، ۱۸۵) به غیر از قالب‌های نام‌برده، به جرئت می‌توان گفت که طنزسرایان بعد از انقلاب در انواع قالب‌های شعری به سرودن شعر طنز پرداخته‌اند. نکته‌ی قابل ذکر اینکه در بحث قالب‌ها، از آوردن تعریف و توضیح برای قالب‌های معروف صرف‌نظر کرده و فقط برای برخی از قالب‌هایی که غریب‌تر یا نو و تازه هستند، تعریف و توضیح آورده می‌شود.

#### مستزاد

در لغت به معنی «زیادشده و افزون‌شده» است و در اصطلاح، گونه‌ای از شعر است: هر مصرعی از رباعی یا غزل و قطعه و امثال آن، جمله‌ای کوتاه و مسجع بیفزایند که در معنی با آن مصراع مربوط باشد و به نوعی معنی آن را کامل‌تر سازد؛ اما از وزن اصلی شعر خارج و زائد باشد، همین جهت آن را مستزاد نامیده‌اند (رستگارفسانی ۱۳۸۰، ۴۶۷).

مستزاد از مشروطیت به بعد رواج یافت و از آن برای ساختن اشعار ملی و میهنی استفاده کردند (شمیسا ۱۳۸۷، ۳۱۴). این قالب به وسیله‌ی شاعران طنزپرداز انقلاب به کار رفته است. مستزاد زیر معضل بزرگ مسکن را گوشزد و نقد می‌کند:

ای دوست درآورده پدر از تو و از من  
این مشکل مسکن  
در مشهد و تهران و اراک و کرج و «کن»  
این مشکل مسکن  
این مشکل بهروز و عزیز و حسنی هست  
کی حل شدنی هست؟  
با این همه کمبود گچ و آجر و آهن  
این مشکل مسکن  
(حاجی حسینی ۱۳۸۵، ۹۰)

#### پلی فونیک<sup>۱</sup>

در اصلاح رایج و ساده به معنای شعر چندآوایی و یا چندزبانه است و مدعای آن این است که در این گونه‌ی شعری آواهای مختلف که در درون شاعر مخفی هستند یا اصولاً سرکوب شده‌اند، مجال بروز می‌یابند. در اینجا، اثر با اقتدار یک آوا و یا دانای مطلق سرستیز دارد. گاهی نیز پلی فونیک این گونه تجلی می‌کند که متن می‌تواند مخاطب‌های مختلفی را خطاب قرار دهد یا به عبارتی، ما آوای خوانش مخاطب‌ها را می‌شنویم. پس در این گونه شعرها همه‌ی عناصر موجود و افراد حاضر در متن حق اظهار نظر دارند و در نتیجه، ما در متن با یک دموکراسی ادبی مواجه خواهیم شد که بسیار میمون و مبارک خواهد بود. این تئوری در شعر بیش‌تر معطوف به دیدگاه باختین<sup>۲</sup> از نظریه پردازهای فرمالیست روس است (سروش‌راد ۱۳۹۰، ۹۰).

سیدعلی میرافضلی در شعر زیر از بازی‌های زبانی از جمله از نوع پلی فونیک (چند آوایی که شامل زبان فارسی، انگلیسی است)، بهره برده است. دو بیت از این شعر:

«in put : سخن‌های بسی نغز که گفتند out put : دهن دره حصار که مُفتند.» (مهدی‌نژاد ۱۳۹۲،

۵۷۸)

#### شعر فرانو<sup>۳</sup>

از جمله قالب‌هایی است که بعد از انقلاب اسلامی بنا به نیاز زمانه‌ی شاعر متولد شده است. اکبر

<sup>1</sup> Playphonic

<sup>2</sup> Mikhail Mikhailovich Bakhtin

<sup>3</sup> Post-modernism

اکسیر در این زمینه می‌گوید: «شعر فرانو شعار نیست، نیاز زمانه است در دهکده‌ی کوچک جهانی شعر. شعری فراتر از زمان است.» (اکسیر ۱۳۹۰ الف، ۹۶) همچنین شعر فرانو در انحصار قواعد پیش‌ساخته نیست و حاصل ذهن سیال است و اصولاً کارش شکستن اصول مشترک تحمیلی‌ست. زبان محاوره و ساده است و به اندازه‌ی قد خود حرف و پیام دارد و...» (اکسیر ۱۳۹۰، ۱۰۴ و ۱۰۵)

شعر طنز «کافی نت» تأثیر منفی اینترنت را بر خانواده نقد می‌کند:

«رایانه تا رسید،

مادر به اینترنت پیوست؛

پدر به رحمت ایزدی...  
و شام ما

در بشقاب پشت‌بام خانه کپک زد.

میل داشتی به آدرس من ایمیل بزنی: WWWWC» (اکسیر ۱۳۹۰، ۹)

#### شعر طنز انقلاب از منظر ساحت

طنز و بلکه همه‌ی ادبیات خوش‌طبعی اتفاق معنایی‌ست و تنها در معنا صورت می‌بندد. اگرچه ظواهری نیز بر آن مترتب باشد. به همین دلیل، بسترهای معنا در شعر طنز متعدد است؛ خاصه اینکه ادبیات انقلاب نیز ادبیاتی معناگراست (کافی ۱۳۹۳، ۹۶۰). پس می‌توان گفت که ساحت در طنز همان محتوا و معناست و کارکردهایی را که طنز می‌تواند داشته باشد، در برمی‌گیرد؛ هرطنزی می‌تواند کارکردهایی چون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و حتی مباحث اخلاقی موجود در جامعه را شامل شود. طنز در هر دوره‌ای با توجه به اوضاع حاکم بر آن دوره از کارکردهای خاص خود برخوردار است. مثلاً بعد از انقلاب مشروطه به دلیل فضای باز سیاسی که ایجاد شد، طنز سیاسی بر سایر کارکردهای طنز غلبه داشت و طنزپردازان سیاسی می‌گفتند و می‌نوشتند.

پیروزی انقلاب بعد از یک دوره‌ی خفقان، به طنزپردازان این جرئت و جسارت را داد که بتوانند با قلم اسلحه‌مانند خود به جنگ با پلیدی‌ها و پلشتی‌های حاکم بر جامعه بروند.

#### طنز اجتماعی

بازتابی از ژرف‌ترین خواسته‌های انسانی، اجتماعی و سیاسی یک ملت است که عقده‌های مردمان آگاه و دردمند را با پرخاش‌های نیش‌دار و زهرآلود خود می‌گشاید و به گفته‌ی ژولین بند<sup>۱</sup> از

<sup>۱</sup> Julien Benda

«ارزش‌های جاوید و معنویت کل دفاع می‌کند.» (به نقل از رستگارفسایبی ۱۳۸۰، ۲۲۲) «طنز نقش مهمی در آگاهی و بیداری توده‌های مردم دارد؛ زیرا اغلب، طنز حقایق آشکار ما را به زبانی ساده و قریب‌به فهم مردم بیان می‌دارد و عقیده‌ای را دقیقاً در ذهن آنان جایگزین می‌سازد.» (رستگارفسایبی ۱۳۸۰، ۲۲۲) همچنین وی معتقد است:

«طنز مبارز است، مردم را از غم می‌رهاند؛ ولی غم را از خاطر آنان نمی‌برد و به مقابله با غم و ستیز و یأس می‌پردازد. بنابراین طنز هم درد است و هم درمان و بدین ترتیب می‌توان گفت که طنز نقد و بررسی زندگی است و نشان‌دادن ادعاهای پوچ و تنگناهای زندگی است با تندبی و تیزی و نرمی و دل‌پذیری و توأم با یک نوع نگرش خردمندانه‌ی اجتماعی مبتنی بر تفکر و ایدئولوژی و آرمان‌های انسانی.» (رستگارفسایبی ۱۳۸۰، ۲۲۳)

#### پارتی‌بازی

در ادارات و سازمان‌ها برای به‌کارگیری نیرو، اغلب روابط بیش‌تر از ضوابط مؤثر است و این سبب می‌شود که خیلی از افراد متخصص، جایی که باید باشند، نباشند و معمولاً در ادارات با کسانی مواجه می‌شویم که کوچک‌ترین آگاهی درباره‌ی شغل و فعالیت خود ندارند. باقری‌خلیلی و دورکی در این زمینه بیان می‌کنند که: «در محیط‌های اداری تبعیض در رفتار، تقدم مقدم‌داشتن خویشان و دوستان، عدم رعایت حقوق مردم مخصوصاً قشر محروم و... از نمودهای ظلم و بی‌عدالتی در محیط‌های اداری است.» (باقری‌خلیلی و دورکی ۱۳۸۴، ۲۰)

پارتی‌بازی از جمله‌ی این موضوعات است که ذهن طنزپرداز را به خود مشغول می‌کند. نمونه‌ی زیر به وجود پارتی‌بازی برای به‌کار گماشتن افراد با زبان طنز به‌شدت انتقاد و اعتراض کرده است:

شرط احراز پست و جاه و جلال

نیست تنها سواد و علم و کمال

آنچه البته از مهمات است

بخت و اقبال و ارتباطات است

ای بسا دکترای در فیزیک

شده صندوق‌دار در بوتیک

وی بسا کم‌سواد ناآگاه

شد رئیس فلان پژوهشگاه

ثانیاً هیچ‌کس به آن مفهوم

نشود جامع تمام علوم

لیک در این ولایت ای فرزند

همه در هرزمینه استادند.

(زرویی نصرآباد ۱۳۹۰، ۵۹ تا ۵۷)

#### بیکاری

یکی از بزرگ‌ترین معضلات اجتماعی که مردم و به‌ویژه جوانان در کشور با آن مواجه هستند و منشأ بیش‌تر مفاسد هم می‌تواند باشد، بیکاری است. این معضل نیز مانند سایر مشکلات از دید طنزپردازان به‌دور نمانده است و آن را در دوره‌های مختلف موضوع کلام خود قرار داده‌اند. شاعران طنزپرداز انقلاب نیز به این موضوع توجه کرده و آن را مورد طعن و طنز و انتقاد قرار داده‌اند. سیدعبدالرضا موسوی از جمله‌ی این طنزپردازان است. در ادامه هم شعری از موسوی با همین موضوع آورده می‌شود:

ز بیکاری بشر این سان پدید آورد مشکل‌ها

جرائم هرطرف سرمی‌زند کم‌تر ز شاغل‌ها...

شنیدم دردم جان‌کندنش می‌گفت مقتولی:

ندارم لحظه‌ای راحت، امان از دست قاتل‌ها

به فکر اشتغال این جوانان باش، ای حافظ!

همه بی‌کار و علاف‌اند، از ول‌ها و ناول‌ها.

(به‌نقل از مهدی‌نژاد ۱۳۹۲، ۵۶۵)

#### طنز اخلاقی

تعصبات و سختگیری‌های مذهبی و ریاکاری و ظاهر‌نمایی‌ها همواره از مهم‌ترین آماج و اهداف طنز بوده است. زیرا «مقدس‌نمایان کسانی هستند که با دست‌آویز قراردادن مذهب و سوءاستفاده از اعتماد مردم، زشت‌ترین و خطرناک‌ترین مفاسد اخلاقی و معنوی و اجتماعی را به‌وجود می‌آورند.» (موسوی ۱۳۸۸، ۲۷)

#### دروغ

دروغ را مادر همه‌ی مفاسد معرفی کرده‌اند. طنزپرداز انقلاب از این رذیله چشم‌پوشی نکرده و با طنز خود به انتقاد آن پرداخته است:

ابوالقاسم حالت در شعر زیر، دروغ و دروغ‌گویی را با شعر طنز نقد می‌کند:



گر کسی داشت مرا کار، بگو آقا نیست	هرچه هم می‌کند اصرار، بگو آقا نیست
گر کنند اخم و بیرسند که آقا هستند؟	تو به خوشرویی بسیار، بگو آقا نیست
هرکه آید دم در، پول ز من خواهد و بس	تو مرتب به طلبکار، بگو آقا نیست
به فلان خانوم گل‌چهره بگو آقا هست	به فلان کاسب ریش‌دار بگو آقا نیست

(سلیمانی ۱۳۸۷، ۲۰۰)

#### طنز اقتصادی

از جمله معضلاتی که کشور دائم با آن دست‌به‌گریبان است و مشکلات زیادی در این زمینه مشاهده می‌شود، بخش اقتصادی‌ست مثل یارانه. از مباحث روز جامعه که نقل همه‌ی محافل هم شده، یارانه است که از نظر طنزپردازان انقلاب به‌دور نمانده است. ناصر فیض در قسمتی از شعر خود در «فیض بوک» بیتی طنز با موضوع یارانه دارد که در زیر به آن اشاره می‌شود:

یارانه چه خوب است برای من کندی ای کاش که هفتاد پسر داشته باشم!

(فیض ۱۳۹۱، ۱۳۳)

#### طنز فرهنگی

##### سرقت ادبی

از دیگر جان‌مایه‌هایی که طنزپردازان انقلاب در اشعار طنز خود به‌کار برده‌اند، دزدی‌های ادبی‌ست که به‌صورت طنز از آن انتقاد می‌شود. محمدرضا ترکی در شعر زیر با عنوان «دزدی شاعرانه» از سرقت ادبی که برخی شاعران انجام می‌دهند، نقد می‌کند:

ابیات سروده‌ی مرا پس بدهید	مضمون ربوده‌ی مرا پس بدهید
هرواژه‌ی آن پاره‌ای از جسم من است	لطفاً دل‌وروده‌ی مرا پس بدهید

(مهدی‌نژاد ۱۳۹۲، ۱۳۶)

#### بررسی مفهوم طنز در شعر انقلاب اسلامی ایران

از جمله‌ی تحقیقاتی که در زمینه‌ی مفهوم و معنای طنز صورت گرفته است، کاری‌ست که نیما تجبر انجام داده و در سال ۱۳۹۰ به‌چاپ رسیده است. وی در اثر خود بیان می‌کند که در چند دهه‌ی گذشته، کلمه‌ی «طنز» اغلب به‌جای «Satire» فرنگی به‌کار برده شده و کم‌کم در فارسی مفهوم کلی آن را پیدا کرده است. بسیاری از آثار منتشرشده‌ی اخیر فارسی، حکایت از این می‌کند که از آن پس، کلمه‌ی «طنز» درمقابل «satire» فرنگی به‌کار می‌رود و در این معنی عمومیت و رسمیت یافته است (تجبر ۱۳۹۰، ۴۶).

تعریف‌ها بیش‌تر ناظر بر جنبه‌ی انتقادی طنز هستند. با نگاه دوباره به تعاریف فارسی طنز، مشخص می‌شود که اساس همه‌ی تعریف‌های طنز با نمونه‌های فرنگی مشابهت دارد. پس نه تنها مفهوم طنز برگرفته از «ساتیر» غربی است، گویا تعریف آن نیز حاصل ترجمه و تقلید تفکر دیگران در این‌باره بوده است. با این تفاوت که مفهوم و تعریف آن در بستر فرهنگی و زبانی خود و براساس آن آثار ایجاد و سپس تکمیل شده است؛ اما بدون این پشتوانه‌ها به عرصه‌ی تفکر و نقد ادبی ما وارد شده است (تجبر ۱۳۹۰، ۴۹ تا ۴۷).

در ادامه طنز این‌گونه تعریف شده است: «طنز یکی از انواع ادبی است که با بیانی غیرمستقیم، و گاه با تعریض و کنایه، به همه مسائل انسانی اعم از فردی و اجتماعی می‌پردازد؛ طنز گاهی با خنده همراه است و گاهی نیست؛ همچنین می‌تواند غرض یا هدفی را دنبال داشته باشد.» (تجبر ۱۳۹۰، ۴۹ و ۵۰)

#### معرفی شخصیت‌ها

##### ابوالقاسم حالت

یکی از نامدارترین و مهمترین شاعران طنز سرای دوران معاصر ایران است. در سال ۱۲۹۸ شمسی در تهران به دنیا آمد و از سال ۱۳۱۴ به سرودن شعر پرداخت و در سال ۱۳۱۷ سردبیر مجله توفیق شد. شعر طنز ایران پیش‌از هر شاعری مدیون حالت است. وی در انواع گونه‌های ادبی شعر سروده است. آثار او چه جدی و چه شوخی از زبانی روان و گویا و مضامینی بکر و بدیع و ابتکارات دلپسند برخوردار است.

از معروف‌ترین شعرهایش بحر طویل‌های او را می‌توان نام برد. بحر طویل‌های او با امضای «دهد» میرزا» و اشعارش با امضاهای «خروس لاری»، «شوخ»، «ابوالعینک» در توفیق انتشار می‌یافت که در دو جلد به نام فکاهیات حالت منتشر شده است (نبوی ۱۳۷۹، ۱۱۵).

##### منوچهر احترامی

در سال ۱۳۲۰ در تهران به دنیا آمد. دوران تحصیلش را در مدارس مروی و دارالفنون طی کرد. در رشته‌ی حقوق از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. طنزنویسی را به‌صورت جدی از سال ۱۳۳۷ در توفیق آغاز کرد و در شعر کلاسیک، شعر نو، سپید، عامیانه و... اثر طنز دارد. آثار او در نشریه‌های مختلفی مانند نشریه‌ی «گل آقا»، «آهنگر» و نشریات «فردوسی» چاپ شده است (صدر ۱۳۸۵، ۴۷).

نقیضه‌سازی و نظیره‌سازی از گونه‌های ادبی‌ست که احترامی در آن تبحر خاص دارد. هرچند موضوعات طنز سروده‌های احترامی تکراری‌ست؛ اما از زاویه‌ای جدید نگریسته شده و مضامینی بکر و

تازه در آن‌ها به کار رفته است.

آثار طنز وی عبارت‌انداز: «جامع الحکایات مرحوم ابوی»، «پیر ما گفت»، «وقایع‌نویسی» و «طنز آوران امروز ایران» (سلیمانی ۱۳۹۱، ۴۴۱).

#### عمران صلاحی

در سال ۱۳۲۵ در امیریه تهران متولد شد و در سال ۱۳۳۲ در دبستان صنیع‌الدوله‌ی قم تحصیلات ابتدایی خود را شروع کرد. اولین شعر خود را در سال ۱۳۴۰ در مجله‌ی «اطلاعات کودکان» با عنوان «مرگ ناگهانی پدر» چاپ کرد و اولین شعر نیمایی خود را در سال ۱۳۴۷ در مجله‌ی «خوشه» به چاپ رساند.

صلاحی برخلاف دیگر شاعران هیچ‌گونه خط قرمزی برای خود ندارد و از مردمی‌ترین طنزنویسان معاصر ایران است. طنز او در جهت بیداری یا دست‌کم همدلی و همپایی با پایین‌ترین رهیویان و افشار جامعه است (موسوی‌گرمارودی ۱۳۸۰، ۲۸۰).

از جمله آثار وی: «گریه در آب» (۱۳۵۲)، «قطاری در مه» (۱۳۵۵)، «حالا حکایت ماست» (۱۳۷۷)، «ناگاه یک نگاه» (۱۳۷۹)، و «هزار و یک آینه» (۱۳۸۰) را می‌توان نام برد. (صلاحی ۱۳۸۲، ۲۵۱)  
از دیگر شخصیت‌های طنزپرداز انقلاب اسلامی ایران می‌توان به ابوالفضل زرویی نصرآباد، ناصر فیض و سعید نوری نیز اشاره کرد.

#### معرفی کتاب‌ها و مجموعه‌ها و نشریات طنز

نامه‌ها و مجموعه‌ها و نشریات زیادی با موضوع طنز نوشته شده است؛ اما برخی از مجموعه‌هایی که بعد از انقلاب که با موضوع طنز و یا دربار‌ی طنز فراهم شده‌اند، در این بخش معرفی می‌شوند.

#### کتاب‌های طنز

- «طنز و طنزپردازی در ایران» نوشته‌ی حسین بهزادی اندوهجردی؛
- «تاریخ طنز در ادبیات فارسی» نوشته‌ی حسن جوادی؛
- «تاریخ طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلام» نوشته‌ی علی‌اصغر حلبی؛
- «شوخ‌طبعی در مطبوعات شیراز» نوشته‌ی سیروس رومی؛
- «دگر خند» نوشته‌ی علی موسوی‌گرمارودی؛
- «نظریه‌ی طنز بر بنیاد متون برجسته‌ی طنز فارسی» نوشته‌ی نیما تجبر؛
- «اسرار و ابزار طنزنویسی» نوشته‌ی محسن سلیمانی و
- «رویکردهای نوین به طنز و شوخ‌طبعی» نوشته‌ی ابوالفضل حرّی.

## مجموعه‌های طنز

- «قهوه قند پهلوی» از امید مهدی‌نژاد، که طنز حدود ۱۰۰ نفر از طنزپردازان بعد انقلاب را در این مجموعه جای داده است.

- «یک بغل کاکتوس» از امید مهدی‌نژاد، که مجموعه اشعار طنز ۱۰۰ تن از طنزپردازان بعد انقلاب را در یک جا گرد آورده است.

- «یک بغل طنز کمی آسایش» از حسن آدینه‌زاده که اشعار طنز متفاوتی از ۳۹ تن از طنزپردازان را به صورت مجموعه به چاپ رسانده است.

## نتیجه‌گیری

از جمله راه‌های رفع گرفتگی روح و افسردگی استفاده از خنده است، یکی از عوامل خنده که در ادبیات هم کاربرد دارد، استفاده از مطالب طنزآمیز است که موجب شادی روح و انبساط خاطر می‌شود. مبنای طنز بر شوخی و خنده است، خنده‌ای که تلخ و جدی و دردناک است و چون پادزهری است بر دردها و نقص‌های اجتماع. هدف طنز اصلاح و تزکیه و تنبه اجتماعی است.

نتایج به دست آمده از بررسی آثار و اشعار طنزپردازان انقلاب اسلامی ایران بدین شرح است:

- با مطالعه و بررسی تحقیقات انجام شده و بررسی طنز طنزپردازان انقلاب و کارکردهای مختلف آن، می‌توان گفت به طور کلی طنز و گونه‌های مختلف آن در شعر انقلاب اسلامی ایران همان معنای «ساتیر» غربی را دارد.

- به دلیل معناگرایی ادبیات انقلاب، طنز، تیزبینی و اصلاح‌گری آن در ادبیات و شعر انقلاب جایگاه خاص و فزونی چشمگیری دارد.

- با بررسی ساخت شعر طنز انقلاب روشن شد که شاعر طنزپرداز انقلاب برای طنزسرایی از انواع قالب‌های شعری قدیم و همچنین قالب‌های نو چون قالب نیمایی، سپید، مدرن و پست‌مدرن، شعر فرانو و... بهره می‌برد و همزمان با حرکت روبه‌جلوی انقلاب، شعر طنز انقلاب نیز در حال رشد و بالندگی است.

- با بررسی ساحت شعر انقلاب مشخص شد که شعر طنز انقلاب مانند دوره‌های گذشته از کارکردهای مختلف سیاسی، اجتماعی و... برخوردار است و هرکدام از این کارکردها با توجه به پیشرفت و تکنولوژی دارای تنوع موضوعی و محتوایی شده است.

- مشخص گردید شعر طنز انقلاب، در عین اینکه متعهد و مسئول است، طبعی ملایم دارد و همراه با ارزش‌های انقلاب در حال حرکت و پیشرفت است.

- قلم پاک و پیراسته، تحت‌تعلیم آموزه‌های دینی، یکی از برجستگی‌های طنز انقلاب به حساب می‌آید.

- این پژوهش تعداد قابل‌توجهی کتاب، مجموعه‌ی طنز و شخصیت طنزپرداز انقلاب را به جامعه‌ی ادبی معرفی کرده است.

- براساس بررسی‌های قبلی درباره‌ی طنز و باتوجه‌به کارکردها و ویژگی‌های طنز انقلاب تعریفی از طنز انقلاب ارائه شد: طنز انقلاب نوعی ادبی‌ست که با به‌کاربردن شگردهای مختلف و کارکردهای متفاوت و درعین‌حال با طبعی ملایم، همچنین متعهد و مسئول نسبت‌به اهداف انقلاب، سعی می‌کند بدی‌ها و ناراستی‌های موجود در جامعه را گوشزد کند و مردم و جامعه را به یک بصیرت و تنبه اجتماعی - سیاسی برساند.

- از بین قالب‌های شعر طنز انقلاب مثنوی از رویکرد بالاتری برخوردار است و علت بسامد بالای این قالب را روانی این قالب، برای بیان مسائل طنزآمیز می‌توان دانست. بعداز قالب مثنوی قصیده و قالب‌های کوتاه قرار گرفته است که قالب‌های کوتاهی چون دوبیتی و رباعی نیز به‌دلیل کوتاهی و سرعت بالای انتقال پیام، به‌وسیله‌ی شاعران طنزپرداز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در شعر طنز انقلاب، طنز اجتماعی از طنز سیاسی از بسامد بالایی برخوردار است و می‌توان گفت که شعر طنز انقلاب بیش‌تر اجتماعی است تا سیاسی.

## منابع و ارجاعات

- اکسیر، اکبر (۱۳۹۰). *بفرمایید بنشینید صنایع‌سازی عزیز*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات مروارید.
- امامی، هدی (۱۳۸۸). *بازنمایی فرهنگ سیاسی در مجلات طنز قبل و بعد از انقلاب اسلامی*. دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۵، تهران: سخن.
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۵). *از صبا تا نیما*، ج ۲، چاپ ششم، تهران: زوار.
- باقری‌خلیلی، علی‌اکبر و علی‌اصغر دورکی (۱۳۸۴). *تحلیل درون‌مایه‌های طنز حالت*. پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۵ و ۴۶.
- بهزادی‌اندوهجردی، حسین (۱۳۷۸). *طنز و طنزپردازی در ایران*، تهران: نشر صدوق.
- پلارد، ارتور (۱۳۷۸). *طنز*، ترجمه سعید سعیدپور. چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- تجبر، نیما (۱۳۹۰). *نظریه طنز بر بنیاد متون برجسته طنز فارسی*، چاپ اول، تهران: مهر ویستا.
- جوادی، حسن (۱۳۸۴). *تاریخ طنز در ادبیات فارسی*، تهران: کاروان.
- حاجی‌حسینی، محمد (۱۳۸۵). *بهارستان طنز*، چاپ اول، تهران: طرح آینده.
- حری، ابوالفضل (۱۳۸۷). *رویکردهای نوین به طنز و شوخ‌طبعی*، چاپ اول، تهران: سوره مهر.
- حلی، علی‌اصغر (۱۳۷۷). *تاریخ طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلام*، چاپ اول، قم: انتشارات بهبهانی.
- حییم، سلیمان (۱۳۷۵). *فرهنگ بزرگ انگلیسی-فارسی*، چاپ مکرر، تهران: فرهنگ معاصر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *فرهنگ لغت*، تهران: انتشارات مؤسسه دهخدا.
- رستگارفسائی، منصور (۱۳۸۰). *انواع شعر فارسی*، چاپ دوم، شیراز: نوید.
- رومی، سیروس (۱۳۹۲). *شوخی‌طبعی در مطبوعات شیراز*، چاپ اول، شیراز: تخت جمشید.
- زروی نصرآباد، ابوالفضل (۱۳۹۰). *اصل مطلب*، چاپ سوم، تهران: همشهری.
- سروش‌راد، سعید (۱۳۹۰). «پلی فونی در شعر»، *مجله ادبی وازنا*، ۲۶ مهر.
- سعیدی، مهدی (۱۳۸۱). *تحلیل ساختاری و مضمونی طنز در کتابهای کیومرث صابری فومنی و ... (از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹)*، کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- سلیمانی، آزاده و رضا رفیع، زهرا باقرشاهی، حسام محمدظاهری (۱۳۸۷). *معجزه شعر طنز*، چاپ اول، تهران: ثالث.
- سلیمانی، محسن (۱۳۹۱). *اسرار و ابزار طنزنویسی*، چاپ اول، تهران: سوره مهر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). *انواع ادبی*، چاپ اول، تهران: میترا.

- شهسواری، عباس (۱۳۸۹). بررسی موقعیت طنز در دهه نخست انقلاب اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- شیرشاهی، افسانه (۱۳۹۰). شعر مقاومت و دفاع مقدس، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب.
- صدر، رؤیا (۱۳۸۱). بیست سال با طنز، چاپ اول، تهران: هرمس.
- صدر، رؤیا (۱۳۸۵). برداشت آخر، چاپ اول، تهران: سخن.
- صلاحی، عمران (۱۳۸۲). گزینۀ اشعار طنز آمیز، چاپ اول، تهران: مروارید.
- عزتی‌پرور، احمد (۱۳۷۹). طرحی از تاریخ طنز ایران، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۵۶ صص ۳۱ تا ۲۳.
- علائی، سعید (۱۳۸۷). جریان شناسی شعر انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فیض، ناصر (۱۳۹۱). فیض بوک. تهران: سوره مهر.
- کافی، غلامرضا (۱۳۸۹). آشنایی با ادبیات انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- کافی، غلامرضا (۱۳۹۳). پژوهشنامه ادبیات انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی، چاپ چهاردهم، تهران: امیرکبیر.
- مقیسه، محمدحسین (۱۳۸۲). طنز و شوخ‌طبعی در ادبیات دفاع مقدس، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- موسوی، سیدعبدالجواد (۱۳۸۸). کتاب طنز ۵، چاپ اول، تهران: سوره مهر.
- موسوی‌گرمارودی، علی (۱۳۸۰). دگر خند، چاپ اول، تهران: نظر.
- مهدی‌نژاد، امید (۱۳۹۲). قهوه قند پهلوی، چاپ سوم، تهران: سوره مهر.
- نبوی، ابراهیم (۱۳۷۹). کاوشی در طنز ایران، چاپ سوم، تهران: جامعه ایرانیان.

## References

- Eksir, Akbar (2011). *befarmāid benefīnid sandal ʔaziz*. fourth edition. Tehran: Morvarid Publications.
- Imami, Hoda (2009). *baznamāi farhang-e siyāsi dar majalāt-e tanz-e qabl va ba'd ʔaz ʔenqelāb-e islami*. Master, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Social Sciences, Tehran.
- Anvari, Hassan (2002). *farhang-e bozorg-e suxan*, 5<sup>th</sup> Vol. Tehran: Sukhan.

- Arianpour, Yahya (1996). *ʔaz Saba tā Nima*. 2<sup>nd</sup> Vol. Sixth Edition. Tehran: Zavar Publications.
- Bagheri Khalili, Ali Akbar and Ali Asghar Doraki (2005). tahlil-e darummāyeha-ye tanz-e hālat. *Journal of Humanities Shahid Beheshti University*. No. 45-46.
- Behzadi Andohjerdi, Hossein (1999). *tanz va tanzpardāzi dar Iran*. Tehran: Sadough Publishing.
- Pollard, A. (1999). *Comic*. Translated by Saeed Saidpour. First Edition. Tehran: Markaz Publication.
- Tejabr, Nima (2011). *nazariye-e tanz bar bonyād-e motoon-e barjaste-ye tanz-e fārsi*. First Edition. Tehran: Mehr vista Publications.
- Javadi, Hassan (2005). *tārix-e tanz dar adabiyāt-e fārsi*. Tehran: Caravan Publications.
- Haji Hosseini, Mohammad (2006). *bahārestān tanz*. First Edition. Tehran: Tarhe Ayandeh Publications.
- Horri, Abolfazl (2008). *roykardhāye novin ba tanz va fux tab'i*. First Edition. Tehran: Sureh Mehr Publications.
- Halabi, Ali Asghar (1998). *tārix tanz va fux tab'i*. First Edition . Behbahani Publications.
- Haim, Solomon (1996). *English-Persian Big Dictionary*. Reprinting. Tehran: Farhange Moaser.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1994). *farhang-e lughat*. Tehran: Dehkhoda Institute Publications.
- Rastegar Fasa'i, Mansour (2001). *anva-e je'r-e fārsi*. second edition. Shiraz: Navid Publications.
- Romi, Sirius (2013). *fux tab'i dar matbuat-e Shiraz*. First Edition. Takht-e Jamshid Publications.
- Zeroi Nasrabad, Abolfazl (2011). *ʔasl-e matlab*. Third edition. Tehran: Hamshahri Publications.
- Soroush Rad, Saeed (2011). Polyphony dar je'r. *Vazna Literary Magazine*. 18 October.
- Saeedi, Mehdi (2002). *tahlil-e sāxtāri va mazmoni-ye tanz dar ketābhaye Kiomars Saberi Foumani and ... (from 1989 to 2000)*. Master. Tarbiat Modarres University, Tehran.
- Soleimani, Azadeh and others (2008). *mo'jeze-e je'r-e tanz*. 1<sup>st</sup> Edition. Tehran: Sales Publications.
- Soleimani, Mohsen (2012). *ʔasrār va ʔabzār-e tanznevisi*. First Edition. Tehran: Sureh Mehr Publications.
- Shamisa, Siros (2008). *ʔanvā'e ʔadabi*. First Edition. Tehran: Mitra Publications.
- Shahsavari, Abbas (2010). *barresi moqe'iyat-e tanz dar daheye noxost-e ʔenqelābe ʔislami*. Master. Sabzevar Teacher Training University.
- Shirshahi, Afsaneh (2011). *je'r-e moghāvemāt va defā'e moghaddas*. First Edition. Tehran: Revolution Documentation Center Publications.
- Sadr, Roya (2002). *bist sāl bā tanz*. First Edition. Tehran: Hermes Press.
- Sadr, Roya (2006). *bardāft-e ʔāxar*. First Edition. Tehran: Sokhan Publications.



- Salahi, Omran (2003). *gozineh-ye ʔafʔār-e tanzāmiz*. First Edition. Tehran: Morvarid Publications.
- Ezati Parvar, Ahmad (2000). tarhi ʔaz tārix-e tanz-e Iran. journal of *roshd amoozesh zaban va adabe farsi*, No. 56, pp. 31-23.
- Alaei, Saeed (2008). *jaryān fenāsi feʔr-e ʔenqelāb ʔislāmi*. First Edition. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center Publication.
- Feiz, Nasser (2012). *fazebook*. Tehran: Sureh Mehr Publications
- Kafi, Gholamreza (2010). *ʔāfenāi bā ʔadabiyāt-e ʔenqelāb ʔislāmi*. First Edition. Tehran: Foundation for the Preservation and Publication of the Sacred Defense Values.
- Kafi, Gholamreza (2014). *pazuhefshāneh ʔadabiyāt-e ʔenqelāb ʔislāmi*. First Edition. Tehran: Foundation for the Preservation and Publication of the Sacred Defense Values.
- Moein, Mohammad (1996). *Persian dictionary*. Fourteenth Edition. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Mogiseh, Mohammad Hussein (2003). *tanz va fuxtabʔi dar ʔadabiyāt-e defā-e moghaddas*. Azad University Central Tehran Branch.
- Mousavi, Seyyed Abdul Jawad (2009). *ketāb-e tanz-e 5*. Tehran: Sureh Mehr Publications
- Mousavi Garmaroodi, Ali (2001). *degar xand*. First Edition. Tehran: Nazar Publications.
- Mehdi Nejad, Omid (2013). *ghahveh-ye ghand pahlū*. Third edition. Tehran: Sureh Mehr Publications.
- Nabavi, Ebrahim (2000). *kāvofi dar tanz-e Iran*. Third edition. Tehran: Publications of Iranian Society.

**HOW TO CITE THIS ARTICLE**

Nady, M. & Mohammad Beigi, Sh. (2019). The Position of Satire in the Poetry of Iranian Islamic Revolution. *Language Art*, 4(4):33-58, Shiraz, Iran. [in Persian]

**DOI:** 10.22046/LA.2019.20

**URL:** <https://www.languageart.ir/index.php/LA/article/view/154>





## ORIGINAL RESEARCH PAPER

### The Position of Satire in the Poetry of Iranian Islamic Revolution

**Mohammad Nady<sup>1</sup>**©

Student of Persian Language and Literature Department, Shiraz University, Shiraz, Iran.



**Dr. Shahrokh Mohammad Beigi<sup>2</sup>**

Associate Professor of Persian Language and Literature Department, Shiraz University, Shiraz, Iran.



(Received: 29 September 2019; Accepted: 17 November 2019; Published: 30 November 2019)

By studying the position of satire in the poetry of Iranian Islamic Revolution, it is possible to get familiar with the manner and style of the satirical poets of this period. Also, by analyzing the works of these poets, their ways of confrontation with social problems and their manners of expression will be explicit. The Literature of Revolution is insightful and informative. Fundamentally, satire is functionally informative. Therefore, doing research on this function in literature is highly important so that meaningfulness, informativeness, insight, and objection are clarified as the main components of the poetry of the Revolution and their key roles in its literature. The poetry of the Revolution is a socialist and diplomatic poetry and satire is responsible for raising the socialism, informativeness, and insight of people; so, explaining the position of satire in the poetry of the Revolution is in fact describing one of its most important content and meaning grounds. In this article, through Content Analysis and by using the method of collecting data in library, it is tried to verify the concept of satire, its level and position at this period by defining it and comparing its position with the different periods of the poetry of the Revolution and the forms applied. Then the famous poets of this style and their works will be introduced.

**Keywords:** Satire, Poetry, the Islamic Revolution.

<sup>1</sup> E-mail: mohammadfars.1375@gmail.com © (Corresponding Author)

<sup>2</sup> E-mail: sh\_beygi@yahoo.com